

«هبل» در فهرست جایها آمده است، و نیز «منا» که روشن است این دو نام دو «بت» هستند و نه مکان.

۴- وفات علامه حلی «۷۲۵» آمده است که «۷۲۶» درست است.

۵- اصرار شده است تا مؤلف «حنفی» به شمار آید. قطعاً چنین نیست. مرحوم شیخ آقا بزرگ، استفسار مرحوم بهمنیار را درباره مذهب وی از مقدمه تاریخ بیهقی آورده و رد کرده است. ۱۹ و مرحوم علامه سیدمحسن عاملی نیز شرح تفصیلی وی را در اعیان الشیعه آورده. و از اهل سنت بودن وی را با قاطعیت رد کرده است. ۲۰ و دیگر شرح حال نگاران نیز نام وی را در شمار عالمان شیعه آورده اند.

اما متن کتاب:

بیشتر گفتیم نسخه کتاب بسیار مشوش و مفلوط است. از این روی استنساخ و عرضه متنی صحیح را می شود محال عادی تلقی کرد. با توجه به این نکاتی را یادآوری می کنم:

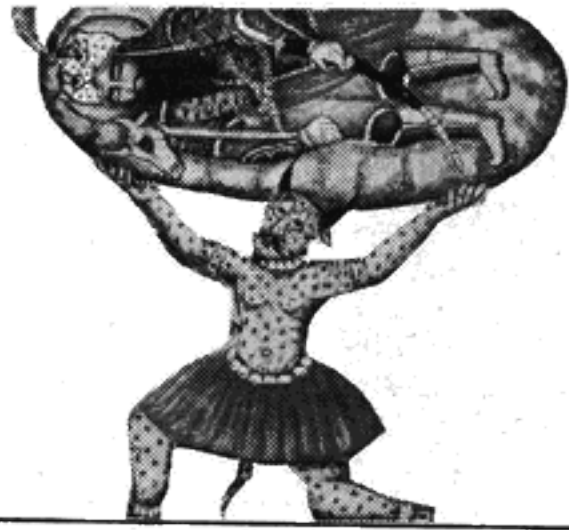
در ص ۱ «والانعم صباحا» آمده است که درست آن «والاعم صباحا...» است که از اولین بیت یکی از قصائد امروالقیس اقتباس شده است. (شرح شواهد المعنی ۳۴۰/ و ۴۸۵) در سطر ۱۵ «فی عیلم من العیالم» آمده است که درست آن «فی عیلم من العیالم» است. در ص ۲ سطر ۲۰ «فی ملک الادب قمران» آمده است که «فی فلک الادب قمران» درست است. در ص ۷ سطر ۲۰ «بهر العقود...» آمده است که «بهر العقول...» درست است.

نکته دیگر اینکه، متن نهج البلاغه که باواژه «قوله...» می آید با هیچ نشانه ای از شرح جدا نمی شود و شماره های خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار یاد نمی گردد و نتیجه استفاده از شرح را دشوار می سازد. شایسته آن بود که خطبه ها و... شماره گذاری می شد، و متن خطبه ها و... از هم جدا می گردید و در پایان نیز فهرست خطبه ها و نامه ها و کلمات قصار می آمد.

به هر حال، جای خرسندی و سپاسگزاری است که اینک متنی استوار و اثری گرانقدر پس از قرن ها پیش روی تشنه گان مکتب علوی نهاده می شود. باید همت آقای دانش پژوه را ستود و توفیق روز افزون کتابخانه آیت الله مرعشی را که در احیای متون و عرضه میراث گرانقدر اسلام همتی بلند دارد از خداوند بزرگ مسئلت نمود.

یادداشتها:

۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ۱۶۸/۶، اعیان الشیعه، ج ۳، ۳۶۶/۴، مجله تراننا، شماره ۲۷/۵
۲. منابع یاد شده.
۳. الطبقات الکبری، ج ۱، ۱۰۲/۶، مصادر نهج البلاغه، ج ۵، ۵۱/۱، تراننا، شماره ۲۸/۵
۴. الفهرست، چاپ دانشگاه مشهد ۱۴۸/
۵. رجال النجاشی ۱۵/، تراننا، ۲۸/۵
۶. مصادر نهج البلاغه، ج ۵، ۵۱/۱، تراننا، ج ۲۷/۵، فهرست نسخهای خطی دانشگاه تهران، ج ۲۹۹/۲ و....
۷. همان منابع.
۸. نهج البلاغه.
۹. کاوشی در نهج البلاغه / ۲۷۸
۱۰. همان مدرک.
۱۱. برای آگاهی از شرح نهج البلاغه رک: مصادر نهج البلاغه، ج ۲۰۲/۱، الذریعه، ج ۱۱۱/۱۴، فهرست کتابخانه مدرسه شهید مطهری (سپهسالار)، ج ۱۲۴/۱، کتابنامه نهج البلاغه
۱۲. مجله «حوزه»، شماره ۱۶۴/۱۳ مقاله «نگاهی به معجم ها» به قلم نگارنده.
۱۳. معارج نهج البلاغه، مقدمه ۲/
۱۴. همان مدرک ۲/
۱۵. همان مدرک ۶۰-۴.
۱۶. همان مدرک، مقدمه ۵۴/
۱۷. الذریعه، ج ۱۸۴/
۱۸. کاوشی در نهج البلاغه ۲۷۹/
۱۹. طبقات اعلام الشیعه (الثقات العیون) ۱۹۰/
۲۰. اعیان الشیعه ج ۲۴۳/۸
۲۱. برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار بیهقی رک: معجم الادباء، ج ۲۱۹/۱۳، الثقات العیون ۱۸۹/، اعیان الشیعه، ج ۲۴۱/۸، مقدمه تاریخ بیهقی، معجم المؤلفین ج ۹۶/۷، ریحانة الادب، ج ۳۰۹/۱، الاعلام، ج ۲۹۰/۴ و....



نگاهی اجمالی به کتاب

از رنگ گل تا رنج خار

شکل شناسی داستانهای شاهنامه

محمد جعفر یاحقی

پژوهشهای بیش و کمی که در طول تاریخ ادب فارسی پیرامون شاهنامه و فردوسی شناسی صورت گرفته است، همواره در برابر عظمت سر بر آسمان سوره کاخ بلند نظم پارسی ناچیز و خوارمایه جلوه کرده است. آیا شاهنامه آن قدر بزرگ و برکشیده و گردن افراخته است که کسی را یارای نزدیک شدن بدان نیست، چه رسد به رسیدن و بر شدن به کنگره آسمان فرسای بنای بی گزند استاد توس، و یا پژوهندگان روزگار ما و اعصار پیش از آن را مجال و مایه آن نیست که در قبال رنج سی ساله دهقان زاده خراسان متاعی در خور عرضه کنند؟

شاید همین امر سبب شده باشد که بیشتر فردوسی دوستان ترجیح داده اند هم خود را منحصرأ به گوشه ای یا حتی داستانی مستقل از شاهنامه مصروف کنند و تن به توفان دریای ناپیدا کرانه نامه داستان ندهند.

کتاب از رنگ گل تا رنج خار، شکل شناسی قصه های شاهنامه که همین اواخر با سی + ۸۷ صفحه به سرمایه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (تهران ۱۳۶۸) به زیور چاپ آراسته شده، از آن معدود آثاری است که پهنه پنجاه و چند هزاربیتی شاهنامه را یک باره در نور دیده و کل حماسه فردوسی را از یک چشم انداز برتر در مطالعه گرفته است. مؤلف با ذوق و شاهنامه شناس این کتاب دکتر قدمعلی سرامی نخستین پژوهش جدی و پیردانه خود را که ظاهراً رساله دکتری او در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بوده است، به همین مهم اختصاص داده و انصاف را که با همه این احوال بخوبی از عهده برآمده است. در این



کتاب داستانها و کردارهای شاهنامه که به عبارتی سراسر حماسه ملی ایران را می پوشاند از دیدگاه شکل شناسی (Morphology) و با توجه به جنبه ها و جوانب داستانی آن مورد بررسی و سنجش و مقایسه و استنتاج قرار می گیرد. منظور نویسنده از شکل شناسی عبارت از تحقیق در ساختارها و شناسایی اشکال و گونه های آن. به عبارت دیگر هر نوع تقسیم بندی که بتواند آثار ادبی را براساس مشخصه هایی از یکدیگر ممتاز کند، از مقوله شکل شناسی است. بنابراین شکل شناسی هم در کل ادبیات یک قوم امکان پذیر است و هم یک نوع یا یک اثر ادبی مستقل را می تواند در بر گیرد.

در این کتاب شاهنامه به عنوان یک اثر مستقل ادبی که در واقع نماینده یک نوع ادبی مهم (حماسه) نیز هست با حوصله تمام مورد پژوهش قرار گرفته است. در فصل اول حدود و تعاریف شکل شناسی مورد بحث واقع شده و در پانزده فصل بعد به ترتیب از داستان و غیر داستان طبقه بندی داستانها، نگاهی به شاهنامه به عنوان یک داستان بزرگ، مقدمه شاهنامه و مقدمات داستانی آن، درخت و داستان، هنر پرداخت داستانهای مکرر، گفتار در داستانهای شاهنامه، کردار در داستانهای شاهنامه، پندارهای داستانها، قهرمانان، زمان و مکان، منطق داستانها، شگردهای داستان پردازی و مناسبات اجزاء داستانها با یکدیگر، سمبولیسم در داستانهای شاهنامه و سرانجام هفت خوانها و هفت خوانیها در شاهنامه سخن به میان آمده است. در اغلب این فصول شانزده گانه شاهنامه به عنوان یک کل و مجموعه ای منسجم پیش چشم نویسنده قرار گرفته و در بسیاری از موارد به شایستگی حوادث و قهرمانان و کردارها و پندارها و حتی عوامل درونی و مکانیسمهای رشد و گونه گونی رویدادها از طول و عرض حالت تطبیقی و سنجشی به خود گرفته اند.

در فصول هشتم و نهم به ترتیب گفتارها و کردارهای شاهنامه با توجه به موارد متعدد و متنوع با دقت دسته بندی شده و گونه های گفتار و کردار در همه داستانها مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده برای سهولت امر مطالعه و به ضرورت بازگشتیهای گونه گونی که به داستانها به طور کلی و جنگها و کردارها به طور اخص می شود، هم داستانها و هم جنگهای شاهنامه را احصا کرده و در صفحات ۵۵ تا ۵۸ با ذکر ۶۳ داستان شاهنامه و در صفحات ۳۸۰ تا ۴۳۰ با بر شمردن ۲۰۱ داستان در مورد داستانها فهرستی اجمالی و در مورد جنگها فهرستی تفصیلی به دست داده و برای هر کدام شمارای مخصوص معین کرده است به طوری که هر جا بازگشتی به این نمونه ها ضروری می نموده است تنها با ذکر شماره از آنها یاد کرده است، با توجه به این تقسیم بندی و بحث و بررسی در باره انواع کردارهایی که پس از آن آمده این فصل یکی از طولانی ترین و درعین حال پر مطلب ترین فصول کتاب شده است.

بنای تحقیق نویسنده شاهنامه ۹ جلدی چاپ مسکو بوده و همه جا به هنگام ذکر مأخذ علاوه بر شماره جلد و صفحه به منظور دقت بیشتر و سهولت کار جوینده شماره بیت یا ابیات مورد نظر هم داده شده است. نام کتاب ازین بیت فردوسی گرفته شده که :

چنین پروراند همی روزگار

فزون است از رنگ گل، رنج خار

و به زعم نویسنده شاهنامه منظومه ای است که زیر بنای فلسفی آن اصالت رنج آدمیزادگان بوده است.

به طور کلی در این کتاب شکل شناسی در مفهوم وسیع آن مورد نظر بوده و نویسنده با حوصله و دقت نظر و متدولوژی خاصی که در تدوین آن به کار گرفته از مسائل و موضوعات بسیاری در شاهنامه سخن گفته است و خوشبختانه در بسیاری از آنها دیدگاههای نو و برداشتهای تازه ای را مطرح کرده است و بحق باید گفت همه پژوهندگان بعدی و خوانندگان شاهنامه و دوستداران فردوسی توسی و دلدادگان حماسه ملی ایران را به کتاب خود نیازمند کرده است. هر چند در این پژوهش بیشتر متن شاهنامه مورد توجه و مراجعه نویسنده بوده است، با این حال حق این بود که نویسنده محترم فهرست منابع و مأخذ خود را در پایان به دست می داد، و حال آنکه جای چنین فهرستی در کتاب خالی است.